

طلاع افغانستان

د مدنی او مترقبی ملي يو والي هخونکي



20 October 2003

١٤٢٤ شعبان المعلم

دوشنبه ٢٨ - ٧ - ١٣٨٢

لومړۍ کال، دیار لسمه ګنه

ویژه شخصیت‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی

به اداره محترم هفته نامه حق بین و حقیقت گوی طلوع افغانستان!
سلام تقدیم میداریم، آرزوی توفیق هر چه بیشتر شما راه نشر و تبیین حقایق، این وطن رنجور و زخم خورده خواهایم.
سندي که ضمیمه این نامه، خدمت شما فرستاده شد، یکماه پیش به اداره روزنامه، رمان ملی تقدیم شده بود، که با تأسف، انتظار مادر نشر آن، بسیار طولانی شد.
اکنون که متأسفانه، آن روزنامه، نیز بسته شده است، از شما خواهشمندیم، که هر چه زودتر به نشر آن اقدام نموده منعنه سازید.
با تشکر...

کابل ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۳

نامه سرگشاده

روشنفکران، ملیون و دموکراتهای افغانستان به جامعه جهانی

جلالتماب حامد کرزی رئیس دولت انتقالی منتخب لویه جرگه اضطراری افغانستان!
جلالتماب جورج دبلیو بوش رئیس جمهور، اعضای محترم کانگریس ایالات متحده امریکا!
جلالتماب کوفی عنان سرمنشی سازمان ملل متحد و اعضای محترم شورای امنیت!
جلالتماب خاویر سولانا ناظم سیاست خارجی اتحادیه اروپا و اعضای محترم پارلمان اروپا.
جلالتماب جورج رابرتسون قوماندان عمومی نیروهای پیمان ناتو!

دولستان افغانستان و افغان‌های عزیز در داخل و خارج کشور!

سلام ما و رحمت خداوند بر شما.

فسرده پیشنهاد:

- محتواهی ماهوی قرارداد کنفرانس (بن) در افغانستان تحقق نیافته است.

- نتایج عملی لویه جرگه اضطراری در وجود دولت حامد کرزی نه تنها مثبت نیست بلکه اضداد مشکله این دولت با استیلای روز افزون تسلط و دسایس افراطیون، خود، به مانع در راه تحقق برنامه‌های ملی و بین‌المللی بازسازی و توسعه ایجاد کرد.

- با بهره‌گیری از مشروعیت مقام ریاست جمهوری، تشکیل کابینه جدید مختص و مسلکی متزه از عناصر ضد دموکراتیک و هکذا نمادی از یک پارلمان ملی ضرورت است.

- برای تحقق ماهوی قرارداد (بن) و وظایف انصراف ناپذیر دوره انتقال زمان و تدبیر اضافی منجمله قطع مداخلات از پاکستان لازم است.

- ادامه استبدادی شکلیات جاری، به عوایب و خیم ملی و بین‌المللی منجر خواهد شد.

- یاد داشت: متن کامل این نامه که به زبان دری تدوین و تصویب شده است، به علت هایی چند، به متن انگلیسی طوریکه مطالب را با دقت و ظرفات مطلوب بازتاب دهد، برگردان شده توانست. از دفتر محترم نمایندگی مؤسسه ملل متحد و سفارت کیرای محترم ایالات متحده امریکا آرزومندی در برگردان نیرومند آن به انگلیسی و تقدیم به آدرس‌های طرف خطاب، مارا مساعدت و بیش از پیش منعنه بدارند. امید و اتفاق داریم که مندرجات این سند، اعتنای شائیسته، بین‌المللی را به بار خواهد آورد ولی هدف، اساساً ادای یک مسوولیت تاریخی است.

(ص ۳)

روشنفکران سپاهاندار افغان

پیامون قانونمندی‌ها و التزامات و جبرهای جهان امروز و افغانستان امروز دقیق و مسئولانه بیاندیشید. بدیل‌ها والترناتیف‌های علمی، خردمندانه و تطبیقی را در برآور و وضع کنونی سیاسی، اداری، نظامی و قضایی کشور طرح و ارائه دارید، تا از تلفیق مجموع آنها بدیل والترناتیف نجات بخش و ماندگار ملی بوجود آید!

با این وسایل و انتقاد از خود به خویشتن مراجعه و مدافعت نمایند که آیا از درک و تحلیل درست قضایا، از پیشقدمی در سیاست و رهبری سیاسی، از در دست داشتن ابتکار (انسیاتیف) تئوری و عمل حتی از انبوه عامة مردم کشور عقب نمانده اید؟

ایا رسوبات ایدیولوژیک ناکام، بی‌زمینه چپ و راست گذشته، پیش‌داوری‌ها، عقده‌ها و کمپلکس‌های ناشی از تشبعات و تصادمات دیروز (صرف نظر از علل و انگیزه‌های آنها) جریان سیلان اندیشه، خلاقیت فکری و راه‌های بروون رفت از چوکات‌های کهن و مردود را بروی تان نبسته است؟

ایا اسیر "دیروز" و "دیروزینه"‌ها نیستید، در حالیکه امروز روز مطلقاً دیگری است، سیاست و کیاست دگری می‌طلبند.

با ایدنولوژی‌های مرده و شعارهای کلیشه بی اصلاح نمیتوان کاری از پیش برد. بی علم و مطالعه، بی تحقیق و تتبع، بی تبادل افکار و آراء و اندیشه‌ها با همگان اصلاح‌سر انجامی جز هیچی و پوچی در پیش نیست.

چرا روشنفکر افغان جدا از مردم است، چرا روشنفکر افغان خرافاتی ترا از خرافاتیان مکتب ندیده و محروم از سواد، به موهومات دلسته است. مثلاً به امریکا و نیروهای بین‌المللی که اساساً خود، در شناخت جامعه افغانی و تدوین جهات فوری واجباری سیاست و برخورد خود با انقطاب‌ها و نیروهای متعدد آن و هکذا نیروهای مغرض و مفتون منطقه منجمله پاکستان دچار جدی ترین مشکل‌ها اند و خواه ناخواه به نظر، طرح، دکتورین و تولیدات کار آمد فکری و معنوی روشنفکر افغان شدیداً نیازمند بوده و چشم به راه آند!

ایا، اخلاقیات روشنفکر افغان درسطح کنونی قناعت بخش است، استعداد فاسد شدن در برآور کمترین تطمیع‌ها، مقامات و امتیازات، کرنش در برآور منابع قدرت نا مشروع، در برآور تفنگداران و تفنگ سالاران، در برآور مؤسسات و انجوها، در برآور سیاسیون و دیپلمات‌های خارجی، تفرعن در برآور مردم، در برآور همراهان، بیان و سیالان طبیعی و تاریخی، اثبات خود فقط از طریق نفی دیگران، تخطه دیگران، بدنام کردن دیگران، منفی بافی ها و دشنام دادن‌های خستگی ناپذیر و ...

ایا، تجارب فاسد شدن، توکرمنش شدن و پیامدهای فجیع و هلاکتبار آن در دوران قدرت کذایی خلقی و پرچمی، مجاهد و طالب و حتی همین دوره انتقالی انفعالی برای عبرت گرفتن، سلوک و منش نوین و پایدار و پرتوان اختیار نمودن کافی نیست؟!

چرا اینهمه جین و جمود، تشعب و تفرقه، تردود و تذبذب، بی راهی و گمراهی؟!.. چرا اینهمه "باش!" و "فردا!!؟؟" در حالیکه زندگی سه روز بیشتر نیست.

"دیروز" که گذشت امروز که در گذر است و "فردا" که ناپیداست.

اهل کار، اهل زندگی، اهل سیاست و تاریخ فقط همین "امروز" را دارند.

حیب‌الله رفیع

د سیاسی گونډونو د قانون نهاد په ھیواه کې د سیاسی فکارهای قانونی آغاز

سیمی په ھبادونو کې سید جمال الدین افغانی ډربو خواروه او له یوه ھبادونه یې بدل ھبادونه تله اړکه خود چې په سپه خلی اراده مبارزه شروع کړي وه، پرله پسی بریالی شووه اود مشروطیت غورخنگونه یې په افغانستان ایران، ترکی او مصر کې ګښدی کړل او دهند او ختیخ د نوره ھبادونو سیاسی فعالیتونو ته یې ساوه کړه.
د افغانستان د مشروطیت غورخنگ

الدين افغانی پیل کړ، دده سیاست د افغانستان، اسلامی ھبادونو اود ختیخ ژوند یوی نیمی پېږي، ته نزدی کېږي خو د ټولو ھبادونو د قانونی فعالیت تګلاره سیاسی گونډونو د سیاسی فعالیت تکلاره او کړنلاره نه درلو ده او د سیاسی گونډونو بېهري نېکېلاک په مرسته یې پرڅلکو د فعالیت قانون یوازی یوه اونې وړاندې واکمنی کوله، دله استبداد او استعمار د انتقالی دولت رئیس له خواتوشیخ او دواړو سره په داسې ډول مبارزه پیل کړه چې هم کروني استبداد او هم بېهري په ھبادونه کې لومړنی منظم سیاسی فعالیت د نولسیمی پېږي، په دوهمه نیمایی بېکلارک له منځه ولار شي، مسټدو ھکومتونو او بېکلارک د کې د ھبادونه مفکر علامه سید جمال

امانات (از جمله حکومت) را به اهل آن بسپارید.

آیه کریمه از قرآن مجید

دیگر، تسلیم آشوب طلبان نخواهیم شد!

مردم را در ارزش‌های حکومت قانون بی باور می‌سازند ولی مردم میدانند که این گروه‌ها بشهادت تاریخ همواره اب در آسیاب دیگران ریخته و بسود دیگران کار کرده و می‌کنند بدختانه ایندو روشن مصیبت زای اجتماعی در کشور ما به اطرافهای وسیعی پیش می‌رود که توجه ممالک صلح پسند را نسخت بخود متوجه ساخته است، حریق مکاتب و مدارس، اختطاف کودکان ۱۰-۵ و ۱۲ ساله به آتش کشیدن باع‌ها و تاکستان‌ها، قطع راه‌های عمومی، چور و چاول دارایی‌های عامه قطع حنکلات عمومی که جزو سرمهای های ملی، محسوب می‌شود همه تحریکاتی است که از ریشه تروریزم بین المللی آب می‌خورد و تلاش دارد که با مبارزه‌های جدی و بی‌امان هموطنان قهرمان ما این غایله نیز بر طرف گردیده و همه در صلح و امنیت زندگی نمایند و بار دیگر به اثبات برستاد که مردم دشمن سوز افعانسان در هیچ مرحله از زندگی تسليم اراده‌های کنیف آشوب طلبان نگردیده و با قاطعیت از حریم وطن مقدس خویش دفاع می‌نمایند.

هزار خم نکند مست مرستان، ۱

رضا نقل تمنا
زما په نظر دا ټولې ورانی د غیر
قانوني گوندو نو له موجودیت نه را
ولایې شوی خکه همدوی د غواړي د
خونې، کو دتا په کولو سرمه زد په
افغانستان کي قانوني بهير له منځه
یورو او د پردو ګټې وار په وار خوندي

د بن تپون د همدي سوابقو په نظر
کي نيلو مسره د افغانستان قانوني
حکومت ته درسېدو له پاره يو داسي
برو ګرام جوز کړي چې د ګوندونو قانون
هم پکي شامل او د اقانون بايد تر
بارلmani انتخاباتو پراندي نافذ او
عملی شي خکه د اقانون به د
بيسي فعالیت د سالمي ودي له پاره
ګوندونو په جوړولو سالم او معقول
سيو بري او د پردي پاليسې . وسله
اکۍ او د پردي يو ايم بالوژيو دودي
نخه به نيسې

د همدي اړتیا او وړتیا له مخې د ۱۳۴۲ لمریز کالد اساسی قانون چې د بن پړکړو د نوي اساسی قانون ر جوړ په ډپوري بیمار اړوندی کړي، په ټینا کې د ګوندو نو قانون لوړۍ خل په ټفغانستان کې نافذ شو، البتہ د داکتر جیب په وخت کې هم د ګوندو نو یو رمایشی قانون نافذ شو، وچې ملي للاړې نه درلود، او په پنځو فصلونو د پنځه ويست مادو کې پې د افغانانو په پاره د سیاسې ګوندو نو د جوړو لو چاری ور په ګونډه کړي

د سیاسی گوندو نود قانون نفاذ د
تقالی دولت یو مهم گام دی او کاش
قانون ۳۷ کاله ور اندي چي نسويد
بوی و، نافذ شوي هم واي نو پي قانونه
رندو بيه زموږ ژوند نه ته کاوه
ددی قانون دمن او مادو په باب
ښي مهم تکي شته چي یو ډې خبر به
واړي خود او سله پاره بي د هو مادر
برخه کي یو غفلت نظر اچو یه لایه

های فاسد حاکم بر جامعه قیام نمود بعده آن
طبیق استراتئیزی سیاسی و نظامی اقدام
نمود که اکثر مناطق را تحت اقتدار خود در
آورده و تحت پوشش نام اسلام به عمل
هایی دست زده که خلاف برنامه های
عالی اسلام و مقتضای جوامع اسلامی بود
و علی الاکثر با هدایت و دساتیر اسلام
میابیند داشت خوب شیخانه با قیام مردم
مومون و مسلمان به حکمرانی این گروه
بیگانه پرست خاتمه داده شده و امنیت در
۸۰ فیض ساحه مملکت ما قایم گردید.
طالبان که نفوذ شان از کشور ما منتهی
نشده و با گروه القاعده همکاری دارد دو
هدف را دنبال میکنند یکی قاچاق مواد
مخدر بسویه بین المللی است که افغانستان
تحته خیز فعالیت های ایشان قرار گرفته،
مواد مخدور در افغانستان زرع و تولید شده و
بکمک دستیاران بین المللی در نقاط
مختلف جهان انتقال میابد که شرعاً زرع و
تجارت آن البته که کاملاً حرام است.
دوم تروریستهاست که وظایف و
پروگرام هایی در کشتار فردی و دسته
جمعی خدمتگاران صدیق جامعه دارند نظم
عمومی جوامع را اخلاق نموده و در ایجاد
رعب و دهشت از هر گونه وسایل و
امکانات استفاده مینمایند.
وسوم با تخریب قانون و قانونیت

وسوم باتخريب قانون و قانونیت

زمرد آن مورد توجه صنعتگران جهان قرار گرفته است و اصیل ترین لاچور و زمرد جهان شمار می‌آید و صد هات آن توسط اشخاص غیر فنی استخراج گردیده و بیمارکیت های جهانی عرضه می‌شود امثال آن افغانستان در حدود ۱۲۰۰ قلم معدن قابل استخراج دارد، که غیر قابل استفاده مانده است وسعت و فراوانی منابع خود مهم بودن موقف افغانستان را در منطقه باز گو مینماید و این حالت سبب می‌شود تا یک چندگاهی کشور ما طرف تجاوز جنگ سالاران قرار گیرد، دارایه‌های عامه بتاراج رسیده و باشندگان آن با احساس محرومیت بکشور های بیگانه متواری گردند.



رین منطقه موثر ترین وسیله در دستیابی
منابع سرشار مالی او باشد که نبردهای
خوبین ۳۳ ساله از طرف جناحهای مختلف
در کشور ما مولود همین منطق است در
حالی که هیچ جناحی بحمدالله نتوانسته در
وشنایی فرضیه خود دست آزادی بمنابع
الی ما پیدا کند.



دیرین و تلیس کار
بریتانیای کبیر میخ
قهرمانی را در تاتو
نظام فرسوده و
جهان خوار اتحاد شوروی
کوفت و دین بزرگی را
بعهده جامعه بشریت
گذاشت.

سوالی اساسی
اینجا سلت که این
آزمون های جانسونز
تاریخی در هر چند سال
از طرف کشورهای

غاور و غارتگر چرا تکرار میشی
تجاوز و تعرض غافلگیرانه
بیگناه و مظلوم قربانی هوی
غیر انسانی آنان میگردند؟؟

جوابش اینست چون ا
کشور های منطقه از منابع د
برخوردار است فکر میکنند

از طرف دیگر افغانستان با مطالعاتی
ه بالای آن انجام شده از جمله کشورهای
ستعدجهان است و دارای نیروهای
مری کافی بوده سرمایه های ارزشناکی
روی زمین و بطن زمین دارد غنی از نفت
گاز بوده و معادن مس و آهن آن در حالت
متخراج و بهره برداری میباشد، لاجورد و

جهاد له پاره د مسلمانو هبودونو او
آزادی نوي له خواکېدونکي مرستي د
پاکستان او نورو چينلوون له لاري د
دوي لاس ته ولويدي. د افغانستان
سېپخلى جهاد او ملي پاڅون د لوی
خدای په مرسته او د مومن ملت په
راراده کامياب شو. روسان مات
شول، سوروي اتحاد مرشو. منځنۍ
سياد کمونيزم له خونري بشکللاک نه
زاده شوه او ختي�ه اروپا د کمونستي
ستعمار له مری، نه بهرهه راوونته او د
(مومن ملت) په راراده (سور بناهار)
تاریخ په زباله دانې کي ولوبد.

د افغانستان د مومن ملت دي
وسي فتحي او بري نيمه نوي، د
کمونيزم له لعنت نه آزاده کره خوزمودر
ملت گته تري اوچته نه کره، خکه د
ردوده لاس په پاکستان او ایران کي
خور و شويو گوندونو د واک پر سر
خوتري جگري رامنځ نه کړي او د نورو
ه مالي او وسله واله مرسته يې خپل
څبواه وران کړ د نړۍ ګنو غرضي
ښپوادونو له ایران، پاکستان،
ماجکستان، اوزبکستان نه نیولی تر
وسیي، هند، ترکي، سعودي
تریستان، امريكا او خینې نورو
ښپوادونو پوري ټولود غیر قانوني
وندونود فعالیتو په وسیله زموږ په
ښپواه کي په خپله گته فعالیت پیل کړ
رددې بې قانونه ګوندونو په وسیله
مومن ملي ګټې د نزو له ګټنه قربان
وې.

مالمه لارېښونه یې کولای شوای خوا
مالاکواو له پردو سره تړلو کسانوواو
مهرنيو مغرضو هډوادونو د سیاسی
وندونو له ټانونی خلاخته په
ستقادی کولو سره خپل ورسره تړلي
وندونه، خصوصاً کمونسټت
وندونه، له مالي او نظامي اړخه
جهیز کړل او ويسي هڅوڅ چې په
لامامي او ملکي ماموريونو کې
مالیت وکړي او ملګري پیدا کړي
نکه چې له عادي سیاستي لاري د
افغانستان مسلمان او دینداره ملت
بځکله د کمونیزم د الحادی
په لورۍ، منلو ته تیارنه دی نو ځکه
دی باید د کودتا لاهه خپله کړي او د
نکونو، الوتکو او وسلو په زور پر
افغانستان کمونیزم وروتې. همهغه
چې کمونستانو د روسانو په وسله
او مالی ملات پر د ۱۳۵۷ کال د
رايی خونږي کودتا وکړه او بیا په
له شوروی لېښکري ده پولو پر پولو
راوښتی، د افغانستان مومن ملت
سیام وکړ او د پاخون په مخکنۍ کې
وزړلو ملي او ملطيالو کسانو او ډلو
خندک د یولر اخوانی ډلو مشران هم
قلل. دوی هم په افغانستان کې د
الیت هستې د دیموکراسۍ په
میزه کې په یوه وره پیمانه اپښې وي
نه پاکستان، ایران او نړیوال اخوان
هې په اړیکې درلودې، خلکو په دې
ساس وخت کې دوی د سپېخلي
داد مخکنستانو په توګه ومنل او د

سالیت کاوه، ددی امتحانی
دیموکراسی عمر لنه و او پرژرله
خخه ولازه، آزادی جریدی بندی
سوی، سیاسی فعالیت منع شو او
ی لری یوشمبر فعالین زندانونو ته
جول شول.

په ۱۳۴۳ کال کي د دیموکراسی
بیزه د یوه نوي اساسی قانون په
ذنبدلو سره پیل شوه ددی قانون په
ه ماده کي د آزادو خپرونو او په یوه
ه ماده کي د سیاسی گوندونو آزادی
نه و کره خوبیا هم د مطبوعاتو
санон نافذ شو، اما د سیاسی
ندونود قانون مسوده جوړه شوه،
ی جرگی او مشرانو جرگی پاس
خود وخت د پacha اعلیحضرت
محمد ظاهرشاه له خوا توسيح نه شو.
ی توګه د آزادو خپرونو له لارې بې
سانونه گوندونو خپل تبلیغاتی
لیت شروع کړ او په تعليمي
سو، کارخانو او نورو خایونو کې
غړی خانه جلب او د پردو په
ترپې گوندونه جور کړل.

په دی ترتیب په هپواد کي سیاسی
لیتونه غیر قانوني او پر خطرنال
ل، د گوندونو د قانون په مسوده
د عسکري منسوبيو سیاسی
لیت منع و، ماموريتو او د دولت
منسوبيو په سیاسی گوندونو کې
ستوب نه شو ترلاسه کولاهی او نور
داسې قانوني ارزښتونه یې
و دل چې د سیاسی فعالیتونو



نامه سرگشاده روشنفران، ملیون و دموکراتی افغانستان به جامعه جهانی

برخی از وظایف پیشینی شده برای لویه جرگه از جمله تصویب هیات کابینه که، حداقل شامل صدر اعظم و وزرای کلیدی باید می‌بود، هکذا بررسی خط مشی و حدود و تغور صلاحیت‌ها، مسؤولیت‌ها، اولیت‌ها و ارجحیت‌های کاری ملی و بین‌المللی دولت، ایجاد نهاد قانون‌گذار و حداقل مشورتی و ارگان رابط متقابل دولت و مردم یعنی شورای ملی، اصلاح و اساساً اجرآ ناگذه ماند. (مسلسلما خواندن عجولانه شامگاهی لیست چند نفر توسط آقای کرزی در حالت پراگندگی و عدم رسمیت و نظم قانونی لویه جرگه اضطراری، برای تعداد نا معینی از شاملین آن در غیاب شرایط قانونی ابراز رأی و نظر متضمن هیچگونه مشروعیتی برای مشمولین لیست شده نمی‌تواند. چه رسید به این همه ذوات با کفایت و بی کفایت غیر محدودی که در یک چنان لیستی هم نبوده‌اند.)
بر علاوه، لازم بود در همین لویه جرگه، از جانب مردم افغانستان، مسائل و واقعیت‌های حیاتی و کاملاً مؤثر در سرنوشت عمومی امروز و فردای ملت افغان که پس از فجایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در قلمرو جیوپولیتیک ما و جهان ما مطرح شده و واقعیت یافته بود طرف غور و مدققه قرار گرفته، اراده ملی مردم افغانستان به صورت واقع بینانه و عادلانه پیرامون آنها تثبیت و تسجيل و حداقل طی یک سند مختصر حقوقی به تاریخ و جهانیان عرضه می‌گردد.
واما، مشروعیتی که کنفرانس ((بن))، لویه جرگه اضطراری و مهمتر از همه اتفاقات لحظاتی از تاریخ ملی و جهانی برای شخص محترم حامد کرزی فراهم آورده در حقیقت امر ثروت بی بدل کنونی مردم افغانستان است. لذا برای ما بسیار نگران کننده است که در عملکرد جوانب ذیدخواهی و تغییر قابل پیش‌بینی عظیمی برای بشریت خواهد بود، مراتب آتی را احتراماً و با ایجاد و اختصار به عرض میرسانیم و آرزومندیم این فریادها کم از کم به متابه فغان تراکم یافته ۹۵ درصد ملت افغان در حساب آید و مدققه و اعتنای شایسته در مورد مبذول گردد:

-۳-

با اینکه ریاست جمهوری انتقالی - اسلامی محترم کرزی، طوریکه گفته آمدیم، متأسفانه دچار عدم تشخیص و تعریف دقیق قانونی و تبیین رسا و کامل صلاحیت‌ها و مسؤولیت‌ها بود و به خصوص کابینه ساخته شده در بیرون از لویه جرگه اضطراری و تردیدهای فراوانی را به همراه داشت، معهداً ما و مردم افغانستان تا همین اوخر هم بنابر مصلحت اندیشه‌ها و اجراء‌های حالت به اصطلاح اضطراری کشور، خیال می‌کردیم که کرزی صاحب با این تیم عجیب الخلقه همکاران کدام حکمتی دارد، پرآگماتیست و مصلحت اندیش است و با استراتیژی سالم و منطقی عنده‌موقع مصدر کاری خواهد شد.

ولی ایشان محصور در منکنه ارتجاعیون بیدرد، بیرحم و بیباکی باقی ماندند که با حیف و میل مساعدت‌های جهانی در دوران جهاد و روزهای سرکوبی القاعدہ و طالبان، با غارت ثروت‌های ملی، با انباشتن مزدها و مستمری‌های اجانب مغرض و دشمن ملت ما، با مافیا های قاچاق مواد مخدور، خانه و زمین و غنایم تاریخی این سر زمین، قدرت فرعونی کسب نموده تقریباً تمامی کانالهای ارتباطی بالقوه و بالفعل باشندگان ملیونی این کشور را با مرکزیت مشروع و مسؤول حاکمیت مسدود کرده‌اند. چنانکه تحت همین فشارهای مضاعف و مرکب حتی محترم کرزی خواب نما شده و بصورت غیر منتظره بالآخره به ملام محمد عمر اقتدا فرمودند و به عوض تشکیل کابینه ملی و متخصص با صدر اعظم مدیر و مدبر، عوض تشکیل شورای ملی که بدون آن نام دولت بر تشکیلات عربیض و طویل و مریض و ذلیل شان صدق نمی‌کند، به تشکیل به اصطلاح ((شورای علماء)) روی آورده‌اند. با تاسف باید خاطر نشان ساخت که در افغانستان هیچ کلمه‌یی به اندازه کلمه (علماء) و (عالی‌دین) گنج، نا مشخص و بی مسؤولیت نیست. در این کشور به امام ابو حنیفه، ابو علی سینا و سید جمال الدین افغانی هم عالی دین گفته می‌شود، به ابجد خوانان میکانیکی و از بر کننده گان معتمد متون دینی در مدارس پشاوری و دیوبندی، به ملام محمد عمر، بن لادن و مطروهین و موصیین ریشدار زندانهای جنایی کشورهای عربی و افريقيای هم.

واساساً طی دوره‌های متولی استبداد و به ویژه طی چند دهه اخیر زیر سوال رفتن درستی و تقدیس همچو مفاهیم و نمادها یکی از قربانی‌های بسیار بزرگ و غم انگیز مردم افغانستان در پای دیو جنگ و سیاست است. تا جاییکه هیچ حدود و تغور حقوقی، سند و ویشه‌های عدلی و قانونی وجود ندارد که عالم دین و بنیان کن دین، باز عالم دین ملی و عالم دین خدی از هم تفکیک شود.

اتفاقاً تحت همین نام ((شورای علماء)) از موهومات و مجھولاتی مانند ملا عمر ((امیر المؤمنین)) ساخته و یک سره حرمت و ابروی دیانت و معتقدات ملکوتی خلق الله را زیر پا کرده‌اند. مگر حقیقت افتخار آمیز در سطح ملی این است که در اثر تعقل و خرد فطری، آموختن از تجارب عدیده تاریخی بخصوص در ۲۳ سال اخیر بزرگان راستین دینی چون جناب شیخ الحدیث مولوی تره خیل و صد ها مولوی و عالم صدیق که با نثار خون‌های گرم خویش حقیقت عقیده و ایمان ملت افغان را به اسلام واقعی، اسلام عادل و رؤوف و اسلام غیر تجاری ثابت کرده‌اند و هکذا پیش کسوتان قومی، نظامی و سیاسی فراوان و اکثریت مردم با هوش و با فرهنگ افغانستان به واقعیت‌های عینی و ذهنی ملی و بین‌المللی کنونی در

با استعانت از بارگاه جلیل "رب الناس" و "رب العالمین" که رحمت کبریا یی اش را چون معجزه وصف نا پذیر بر دریا های خون و اشک واه مظلومان این سرزمن نازل فرموده و خواهد فرمود. با عرض عمیقترين مراتب تأثرات و اندوه به متناسب دومین سالگرد فاجعه دهشتتاک ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و ابراز تسلیت صمیمانه در سوگ هزاران و میلیون ها انسان بیگناه، بی دفاع و با ارزشش که در این روز و روزگار پیش و پس از آن در سراسر جهان قربانی تروریزم و حشیانه مبتی بر جنون مذهبی گردیده اند. با آرزو مندی تصحیح اشتباه ناشی از حالت فوق العاده اضطراری و اصلاح بنیادی در شیوه تفکر و عملکرد جامعه جهانی نسبت به حقیقت ملت افغان و جیوپولیتیسم سرزمن آن.

به منظور حمایت سپاسگزارانه از مسامعی جمیله بین‌المللی، آرزو مندی برای مشیریت و مؤثریت هر چه بیشتر و پر کیفیت تر این مسامعی در چهت رهایی کامل ملت افغان از فلاکت عاقب جنگ ها و برادر کشی‌ها، تحکیم و تضمین صلح و امنیت دموکراتیک همراه با بازسازی و نوسازی در کشور ویران ما و تبدیل شدن آن به :

- عضو پرتوان و مصلح جامعه جهانی،
- مدافعان سلامت و کمال تمدن بشری و
- ذی سهم شایسته در تعالی اخلاق و معنویات اشرف مخلوقات در کره زمین.

با اینکه تحت شرایط عینی و ذهنی هنوز مسلط حتی در پایتخت کشور مالب از لب گشودن و خیتمرین و هلاکتبار ترین کار است، معهداً با این درک که خاموش ماندن نیز نه فقط به معنای مرگ فزیکی و تاریخی ما و ملت ما اوولاد و احفاد ما است بلکه مصدر فجایع نا شناخته و غیر قابل پیش‌بینی عظیمی برای بشریت خواهد بود، مراتب آتی را احتراماً و با ایجاد و اختصار به عرض میرسانیم و آرزومندیم این فریادها کم از کم به متابه فغان تراکم یافته ۹۵ درصد ملت افغان در حساب آید و مدققه و اعتنای شایسته در مورد مبذول گردد:

بر مبنای تاریخچه و زمینه، حکومت کنونی موسوم به ریاست جمهوری حامد کرزی در افغانستان، مولود لویه جرگه اضطراری (جون ۲۰۰۲) است که بالنوبه، خود، بو اساس قرارداد کنفرانس منعقده (بن - دسامبر ۲۰۰۱) تشکیل یافته ولی به حکم همین قرارداد و تشریفات قانونی ایکه در لویه جرگه اضطراری متحقق شده صرف شخص رئیس جمهور کرزی فرد منتخب و برخوردار از مشروعيت لازمه محسوب شده می‌تواند.

ما با حفظ ملاحظات خود، بر مبنای مصلحت در حالت اضطرار، کنفرانس بن و مخصوصاً مقاد موادی از قرارداد آن به شمول ترکیب اداره مؤقت را رد نمی‌کنیم و طبق ایجاد پیروی از آرای غالب و اکثریت و احترام به مسامعی جمیله بین‌المللی، علی الرغم نبود جایگاه ما در فرایند مذبور، احترام و اجرای آنرا بر خود الزامی میدانیم. معهداً به نظر ما با اختتام دوره معینه اداره مؤقت، مشروعيت ذوات تشکیل دهنده این اداره به صفت حاکمان سرنوشت مردم افغانستان پایان یافته است.

گذشته از آن بدختانه سایر مقاد موافقات بن نیز در افغانستان تحقق نیافته و با تفاوت‌های شکلی معینی، این موافقات با همان سرنوشت پلان پنج فقره بی سر منشی وقت سازمان ملل متحده و ماموریت بین‌المللی سوان نماینده خاص وی در اجرای تشریفات انتقال قدرت از رژیم دکتور نجیب به یک حکومت انتقالی، مواجه گردیده است.

با اینکه تحلیل و تفسیر در اینجا امکان ندارد، فقط به شاخص‌های عده اشاره می‌کنیم:

بر حسب اصل چهار ضمیمه اول سند توافقات بن، جانبی از عادین توافقات، نیروها و نفرهای مسلح خود را نه فقط از کابل و مراکز ولایات خارج نکردن بلکه بر عدد و کیفیت آنها افزایش نیز به عمل آورده و بر علاوه اکثریت مطلق کرسی ها و مقامات اساسی دولت، ارگانهای تخارنوالی، قضایی و امنیتی و دفاعی را در انحصار خود نگه داشتند. آیا شخصیت حقیقی و یا حکمی که بر مکلفت‌های قانونی خود پا بگذارد، حق برخورداری از مزایای آن قانون را از دست نمی‌دهد؟

شاید در این امر جناب الاخضر ابراهیمی نماینده خاص سر منشی ملل متحد و تیم همکارانشان، محترم دکتور خلیل زاد نماینده خاص جناب جورج بوش، هیأت کور دبلوماتیک مقیم کابل، ژورنالیستان و دیگر ناظران ملی و بین‌المللی، حتی بیشتر از ما معلومات و مستندات داشته باشند که عملکردهای انحصار طلبانه اینها در مرکز و ولایات معین کشور، یکی از عده ترین موجبات تعلل و سریچی سایر گروه‌های مسلح افغانستان از اجرای موارد مشابه توافقات بن و تمکین به فرامین دولت انتقالی افغانستان گردیده و از جمله فاجعه تصادم و طغیان پاچا خان ُحدران را که یکی از شرکت کننده گان کنفرانس بن و هکذا لویه جرگه اضطراری می‌باشد، نسبت به حکومت محترم کرزی به بار آورده است.

لویه جرگه اضطراری صرف نظر از ملاحظات حقوقی و سیاسی ما در مورد آن، صرف با انتخاب محترم حامد کرزی در مقام ریاست جمهوری افغانستان حتی بدون مشخص ساختن چگونگی سیستم این جمهوری خاتمه یافت.

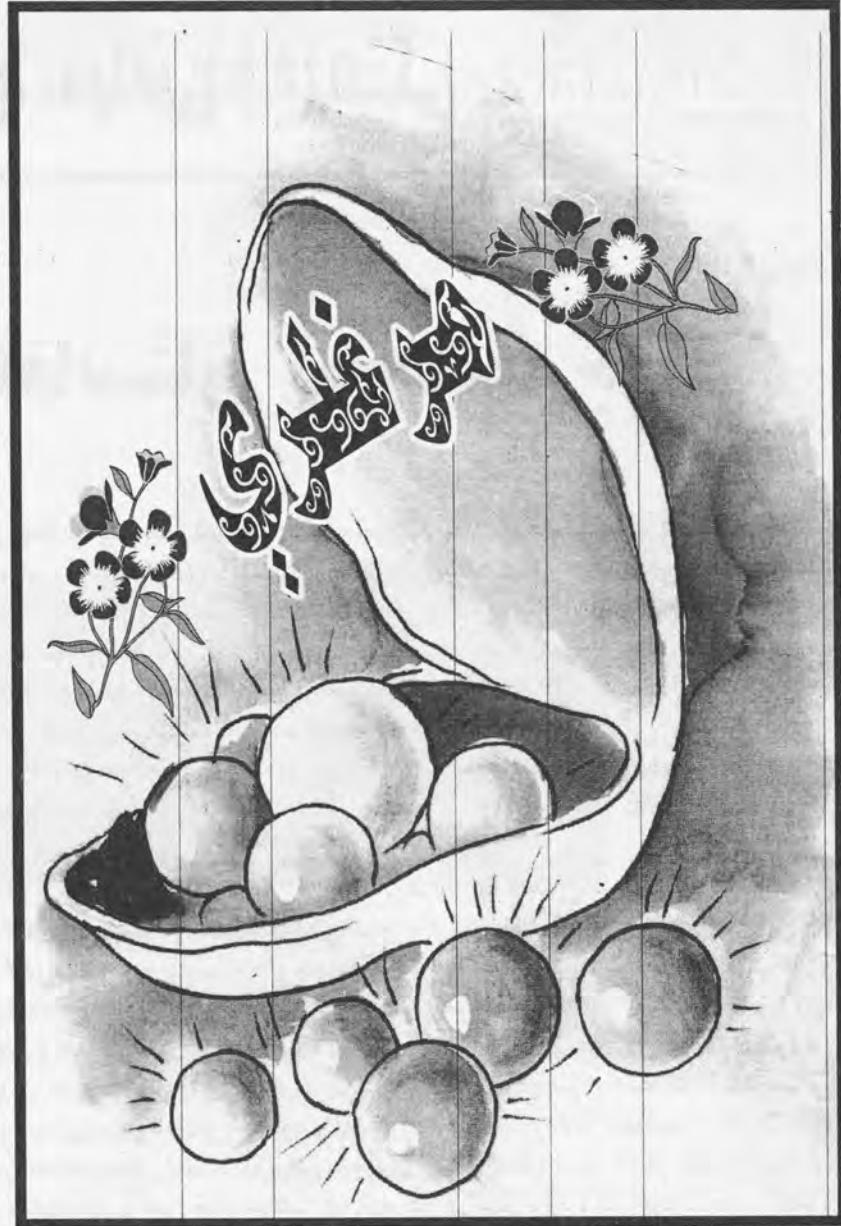
د استاد الفت خلوریزې

خان د چا غلام کړه که په نوروباداري کوي
سرتیپول زده کړه که کارونه سرکاري کوي
هلته زورور ته په ګونډو لاس په نامه اوسمه
دلته که فرعون غوندي پر موب کلانکاري کوي

د رښيانه شجو ويلو اوسمه غلي
دروغ خومه وايد که خان ګنډ بشاغلي
اس یې مه بوله، برافق ورته مه وايد
بکي لکي خره که خرنه شجو ويلو

د سر کار قدر و قيمت گوره په کاردي
که کارنه وي محض سرنو خپه کاردي
د کار دار قول اهمیت ګنډ په کار کې
پسکاره کار دار بلشی نه محض داردي

په رانکارو چې کارونه جو وي
حقیقت کې جوړ کارونه ورانوي
ياتکي، يا پېړه زیاته سادګي ده
که بستان په بست پرس تو ماتوي



جلوه ناموس تحول

دوكتور عبدالطيف جلالی

حيات تافارسيدين روز بزرگ بازرس در گرداش باشد. خدا يامرزاد محمد اقبال لاهوري را که وقتی در کنه فلسفه خلقت بني نوع آدم، فرزند بابا آدم خليفه الله، می انديشد معنی و نمره آن را چنان عظيم می یابد که، الحق زينده مقام والائي اوست، چنانکه می گويد:

نعره زد عشق که خونین جگري پيداشدد
حسن لرزيد که صاحب نظری پيداشدد
فطرت آشافت که از خاک جهاني مجبور
خود گري، خود شکنی خود نگري پيداشدد
خبره رفت زگردون به شبستان ازل
نظر اي پرده گيان پرده دری پيداشدد

اما جای داد و پيداد است که پيش بیني ملکوتیان، در باره قدرت انسان برای تحول و نو آوري، موازي با ايجابات عصر و زمان به قول اقبال در محدوده دانش محدود از بندۀ گان راستين خدا فروکش كرد و تعليم نيافت و قربانی يك مشت بي خبران از دين و مذهب گريدي، تا يينکه همين شاعر فيلسوف دل آگاه در شعر ديگر خود به چنین بي راهه پيمایان، هشدار ميدهد و ميگويد:

به خلوت خانه لاھوت يادي ولکن در نغ شيطان فتادي

و یابه قصور زهني و بي خبری مطلق انسان از اين قبيل در ادارک فلسفه واقعی عقیدت و مذهب و دین و آئين، چنان اشاره می کند:

حيات از حکمت قران نگري
به بند صوفى و ملا الله اسپرى
به آياتش تراکاري جز اين نیست
که از باسين او آسان بي مسرى
از آن در دانه هايي دريای بيکران سوره نیاسين در کلام مجید خدا، بندے غافل و مخلوق جاھل و کاھل او
صرف به اين بستنده می کند که، با تلاوت آن در هنگام مرگ، سکرات جان کندن را در وي آسان بسازد.
پناه به خدا، باید تذکر داد که، قران متن مقدس است از لفظ و معنی که تلاوت آن زنگار گناهان را از دل می
زداید و بکار بستن معانی آن، راه معاش و معادر را بمراوشن می سازد، و چون در اين راه سير مطابق ارشاد
الهي سلوک کرديم، آنگاه بشارت رستگاري می یابيم، که مفهوم ولقد کرم منا بنی آدم آن وقت در شان ما
صدق خواهد کرد، در غير آن قصه من و ملا و محتسب مفت است. یاهو

دنيا يکه خدا آفریده و آن را محل سکونت و زیست بندۀ گان خود قرارداده است هميشه در تحول
است، اين تحول اگر به علت نو آوري های بشر در طول تجارب وتلاش برای بهبود زندگی باشد، در حدود
احکام و دستورات مقدس و هدایات آسماني، هیچ گاهی هم مخالف سير تکاملی نیست که، خداوند آن را
برای انکشاف وسائل معيشتي در دنيا ولو الزم انتقال سالم وصالح به حیات ابدی خلق کرده و بدون اراده ذات
واجب الوجود او هیچ حرکتی در موجودات زمین و آسمانها، پدیدار شده نمیتواند. وقتی به اين واقعیت،
اذعان مینماییم باید در نظر داشته باشیم که، زندگی داشت مهارت ناموس تحول است و مطابق به آن باید عملکرد
معايير گردد، و دگم عقب گرایي و عنعنه پسندی نباید جريان آن را متوقف بسازد. در جمله سایر اديان
آسماني، اسلام يک دين مدنی است. و کاروان تحول دنيا را هميشه با احکام خود همراهی کرده است.
چنانکه همه مردمان ملل پیشرفت مسلمان با یکار یستن همین دستورات، زندگی را از حالت قدیم وابتدائی
آن به سطح عصری امروزه رسانیده اند، حکایت اصحاب کهف نیز، تلویح ابرای هدایت مردم در جهت
پذیرفتن شرایط مثبت مدنی در کلام الله آمده است که آن را بصورت مختصر یاد داشت میکنیم، چند تن از
خدمت گذاران پادشاهی که در حکایات باستان و اساطیر، بنام دقیانوس یاد شده است، بعلت رنجش از وی
پا به فرار می نهند و آن قدر منزل میزندند که، سرانجام در دور دست ها به غاری می رستند و از فرط خستگی
در آن به خواب می روند، ساعتی بعد که بیدار می شوند احساس گرسنگی مینمایند، سکه بی به یکی از
پاران میدهند تا بروند و از بازار شهر نانی تهیه کنند، این آدم در اولین پرس و پال اتفاقاً به علافی که نانوای هم
دارد بر می خورد. و باعرضه سکه دست داشته خود از وی تقاضای نان می کند، نانواهمنیکه چشمش به
سکه می افتد، گریبان او رامیگیرد که، این سکه عهد دقیانوس را از کجا آورده، زود گنج آن را نشان بده
و گرنه داروغه را خبر می کنم. بیچاره عضو پاران اصحاب کهف هر قدر تلاش می کند که علاف را قانع کند
که اين سکه مال اوست و همین روزها آن را در نزد پاران خود دیده و پول را بچ و وقت است، نانواي شهر
قانع نمي شود، در مدت چند ساعت خواب که بر اين گروه در آن غار چيره شده بود، مصدها سال گذشته
معلوم می شود، در مدت چند ساعت خواب که بر اين گروه در آن غار چيره شده بود، مصدها سال گذشته
و هنگام بپیدار شدن اين واقعیت را در گزند که دیگر از روز فرار خود صدها سال فاصله دارند
و دیگر با اين سکه قدیمي نمي توانند چيزی خريداري نمایند قصه مفصل است. اما اين تذکر مختصر می
رسانند که در دنيا يک خدا با تحولات جديده، وسائل جديده زندگي از جمله سکه نو در کار است، تاچرخ

د سیاسی گوندونه د قانون نناد په هیواد کې د سیاسی فعالیت قانوني آغاز

پالنۍ په نامه مرسنی کولی او
کمونستي ایدیوالوژي بی دنیاود
تینګبد او د بشر پالنۍ وشیقه بلله
دولت مکلف دي چې له دی قانونه
د اضداد و باسی او که پاتې شی
اوسلواکی پلوی نړیوال سازمانونه به
رویه او پیکاره ډول مرسته کولانې شي»
دابند نه یوازی د تېر بند ضد دی بلکه
په افغانستان کې له گوندونسره د
خارجی مرستو له پاره یوه ډېرہ ناوره او
غیر عادله لاره پرانیزی او د گوندونه
قانون د پنځمي مادی د دی حکم
خندګرخی چې سیاسی گوندونه د قانون
په دراندي مساوی حقوق او جایب
لري. که داماډه ګوندونه په قانون کې
همداسي پاتې شی نويو خل بیا به
بهرني سازمانونه او هیوادونه
اوسلواکی او شری حقوقو تر نامه
لاسدي دلته د خان له پاره ګوندونه
جوروي او یو خل بیا به زمور ملي ګتسي د
پردو له ګتیونه قربانې، خکه روسانو
هم له کمونستانو سره د عدالت او بشر
یاد سیاسی فعالیت نه لاس واخلي!



افغان ماشوم څکو

زه افغان يم! زه حق لرم چې په خپل وطن کې زده کړه وکړم!
زه حق لرم چې ماته د بنوونځي ورونه پرانیستي وي!
زه حق لرم چې د خپلې خوبنې سره سه د زده کړي زینې یوه په بله پسې تر پنسو لادی کرم!
او زه حق لرم چې په خپل لیاقت پر مخ ولار شم!
زه که هلك يم یا نجلی:
”د علم زده کړه راباندي فرض ده“ نو : ماته د بنوونځي ورونه پرانیزئ!
د زده کړي امکانات راته ميسير کړئ!
او د علم او پوهې د خوریدو له مخې نه خنډونه او بندیزونه لري کړئ!

وې
۲) د لیکلوبه باید د ماشومانو له ژې سره هماهنګي او
برابری ولري.

۳) جملی او عبارتونه یې باید لنډ او مفاهيم یې له هر ډول
ابهام او پیچلتیا خخه خلاص وي.

۴) د دغوا دبی آثارو پایلې (نتیجي) او پیغامونه باید ډېر

خرګند وي چې ماشوم په آسانې سره وکړۍ شي د پښو او د هغو
دن تایجو تر میئخ اړیکې تینګې کړي.

۵) خومړه چې د ډله ډول ادبی آثار په انځورو نو (رسمونو) او
عکسونو ننګلې شي زیاته اغیزه لري.

۶) د کتاب کاغذ، صحافت، د لیک د نورو شکلې بنسکلا او
اندازه هم هر ډول خپل خای د ډادونې وړ ارزښت او اهمیت لري

ب: د محتوى او مضمنون له مخې د ادبی آثارو خرنګوالي:

۷) هڅه دي وشي چې ماشومانو ته د لیکلوبه ادبی کتابونو او
آثارو موضعهات د هغه د عمر او سن له اړتیا ووا او غښتنو

سره سمون و لري.

۸) موضعهات باید د داسې ټولنیز واقعيت نو پېښت ولاء
وې چې ماشومان یې په طبیعې او عینې توګه و منلي شي او په

زور پری تحمل نه کړۍ شي

۹) د ډله مضامين او موضعهات باید په ماشومانو کې د
انسان دوستي، زړورتیا، رښتنو لوي، خیرښیکنې او په خان د

باور روحیه پیاوړي کړۍ شي او له د رواوغو، بدېښې، غرور،
پوچۍ او ستوغې وینا او هر ډول ناوره اخلاق و خخه یې
راوګرځو.

۱۰) دا ادبی آثار باید له ماشوم سره د خان او جهان او دژوند د
چاپېریا په پیژندنه کې په زړه پوري مرسته وکړۍ شي

۱۱) د ډله موضعهات باید په ماشومانو کې د هنر، بنسکلا
پیژندنه او خوبنونې ذوق پیاوړي کړي.

۱۲) د ادبی آثارو موضعهات باید ماشومان د پوهې یا
معلوماتو تر لاسه کولو ته ډېر لیوال او مينه وال کړي

ماخذونه:

۱۳) منوچهړ علی پور، اشنایي با ادبیات کودکان، ایران، ۱۳۷۸

۱۴) خسرو فرشید ورد (دکتر) در پاره، ادبیات و نقد ادبی،
لومړۍ توك، تهران، ۱۳۶۳.

۱۵) محمد رفيع، د ماشومانو ګل غونچه، د اړیک د ګرځنده
كتابونو داره، ۱۳۸۰ هش.

۱۶) میمنت میرصادقی، واژه نامه هنر شاعری، تهران ۱۳۷۶

۱۷) پښتو پښتو تشریحی قاموس، خلورم توك، د افغانستان

د علومو اکاديمی، ۱۳۶۵ هش.

سید محی الدینهاشمی

د ده ځایونه همایوونه اڅکې پیشندنې

هدفونه او ځانګړنې

ماشومان د تولنې د ګرنيز (افرادی) ټواک د یوی ستری
برخې په توګه خپل خانګړي ادبیات لري چې پکې د دوی
احساسات، عواطف، هیلې او غوبنې په یوه په بله بنه برینې.
موږ د لنه د ماشومانو د ادبیات په اړه د خپل بحث لري د دغه
ادبیات په پیژندنې سره پیلولو:

پیژندنې:

په عامه توګه د ماشوم د ادبیات په پیژندنې په لړ کې دا هم
ویل کېږي چې د موضوع په لحاظه د ماشومانو او لویانو
ادبیاتو تر میئخ هیڅ تويې نشته او ټول هغه څې چې د مستقیمي
او رسماي زده کړي له پروګرام نه دباندي په هنري او ادبی بنه
ولیکل او ترتیب شی ماشومانو ادبیات بلل کېږي.

په یوه پیژندنې کې لولو:

د ماشومانو ادبیات د هغوشوري یا منظومه او نشي ليکنو
او وینا او مجموعه ده چې په ټولنې کې د لویانو له خواه
ماشومانو د استفاده ده پاره برابر بېږي.

وېش او ډلبندې:

د ادبیاتو د عمومي وېش او ډلبندې له مخې ماشومانو
ادبیات هم لوړ په نظم او نثر او بیا په دوو سترو برخو ویشل

کېږي چې ټکي ته په پاملنې ویلای شوچې د هرې ژې ادييان
د ماشوم د ادبیات په رامینځته کولو کې هم خپل خانګړي او

ټولنیز هدنډونه لري او هغه خامخا په خپلوا ايجاد کړيو ادبی آثارو
کې تعقیبوي، چې خینې یې دلته په ډېر لنه ډول را اخلو:

۱- ماشوم ته د ژوند د چاپېریا: کور، کوڅه بنوونځي او نور
ټولنیز چاپېریا په پیژندنې.

۲- ماشوم ته د ټولنې او په هغې پوري د خینو اړوندو
ارزښتونه په پیژندنې.

۳- له لوستولو، زده کړي، مطالعې او لیکنې سره د
ماشومانو مینه، ذوق او علاقه پیدا کول.

۴- دراتلونکي ژوند له پاره هغوي ته د چمتووالې پوهه او
معلومات ورکول او داسې نور.

د ادبی آثارو خانګړنې:

د ماشومانو له پاره د خانګړو ادبی یا په بله وینا د منظومه او

منشورو آثارو رامینځته کولو او خپرلو ته په هر ټولنې کې دېره

بنستیزه اړتیا لیدل کېږي. داکار یولر تاکلې او منلي معیارونه

او خانګړنې لري او د دېډول آثارو رامینځته کونکنې او په دی چې

د خپلوا آثارو د تخلیق په مهال هغه په پام کې ونيسي. دلته له د ډو

معیارونه او خانګړنې د خینو یادونه کوو:

الف: د شکل او بنې له مخې د ادبی آثارو خرنګوالي:

۱) د بنې او شکل له مخې باید ماشومانو له پاره د

رامینځته شویوادې آثارو د لیکلوبه او سپک ډېرساډه او روانه

دېډی برخه کې په عامه توګه د ماشومانو له پاره لیکلې

کېږي، ډرامې، د شعرونو پهلا په ټولنې او نور راخې، چې

لیکل او شاعر یې د خینو خانګړو بنوونېزه، روزنیزه او نوره

هدفونه له مخې رامینځته کوي.

دلته لارمه ده چې په دغوا دبی آثارو کې د نغښتو هدفونه په



دستورالعمل
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

ویژه، شخصیت‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی

نامه سو گشاده روشنفکران، ملیون و دموکراتهای افغانستان به جامعه جهانی

محتوای یک مجلس کبیر مؤسسان فراهم آید.

تحت اوضاع و شرایط موجود، حتی نشر و به دیالوگ سپردن مسدوده قانون اساسی - صرف نظر از هرگونه محتوایی که داشته باشد - مضر بوده و به خصوص تحمل آن با ترتیبات غیر مدنی، غیر دموکراتیک و حتی مخالف سنت های معمول جامعه افغانی یعنی با لویه جرگه بی مبتنی بر مقدمات لویه جرگه اضطراری نه تنها مشروعیت قانون اساسی جدید بلکه مشروعیت بالنسبه غنیمت کشوری مقام ریاست جمهوری حامد کرزی را صدمه میزنند و مسلمان عوایق آن صرفاً به ملاحظات حقوقی محدود نخواهد ماند.

ج - کابینه موجود تحت ریاست جناب حامد کرزی کلیه شرایطی را که در قوانین مدنی دنیا حالت ((سلب اعتماد)) خوانده میشود، خود فراهم کرده است و باید بی درنگ مستعفی گردد. ولی از یکطرف، از آنجاییکه در مصوبات ناقص ((بن)) هیچ پیشگویی بی در زمینه احتمال استغفار و یا مرگ رئیس جمهور که حتی ممکن است در ۲۴ ساعت هم واقع شود، صورت نگرفته و در لویه جرگه اضطراری نیز با سبک سری حریت انگیزی اصلاح‌گوئه مسایل شامل آجندانگردیده بود، و از طرف دیگر، طوریکه قبل از تأکید نمودیم، مشروعیت محترم حامد کرزی در مقام ریاست دولت استثنایی و خدشه ناپذیر باقی مانده است. یکی از راه های بیرون رفت قانونی این خواهد بود که جناب کرزی به حیث رئیس جمهور و رئیس قوای ثالثه دولت در چوکات اصول مشروطه پارلمانی باقی مانده، در عوض از ریاست قوه اجرائیه کنار رفته کابینه موجود را منحل نمایند و با توظیف صدر اعظم، صلاحیت ها و مسئولیت های قوه اجرائیه را به کابینه جدید مسلکی، متخصص، ملی، کاردار، مدیر و مدبر واگذارند. مخصوصاً صدر اعظم مؤلف باید شخصیتی کاملاً ملی، تکتوکرات، خوشنام و با تقوی باشد.

در ترکیب کابینه، باید به صورت قطع از مصلحت گرایی های ضد ملی و دادن امتیازات نا روا به تفکیک سالاریکی به پا داش اعمال مورد سوال گذشته خود، مدعا مالکیت مطلق بر خون و جان و مال و ملک و ناموس و سرنوشت ملت تا قاف قیامت هستند، اجتناب گردیده صرف معیار تخصص و مسلک، درایت و تدبیر کاری و سیاسی، فداکاری تا آخرین مرز برای منافع و مصالح عالیه ملی و بین المللی مطرح باشد. در صورت رعایت مصلحت کاملاً استثنایی نماد های قومی، باید شرایط بیمه ارزشی های تخصصی و مسلکی پیرامون آنها تأمین و تضمین گردد.

به هر حال کابینه فوق الذکر با حمایت بیش از پیش ملی و بین المللی که خوشبختانه روز افزون است، باید وظایف اساسی حکومت دوره انتقال را سریعاً به انجام رسانیده کشور را از شر تفتکداران، زددان و رهنان یونیفورم دار و بی یونیفورم نجات بخشیده و راه را برای آمدن قانون اساسی جدید و ایده آل های دیگری که عجالتاً نامیسر است، هموار سازد. مسلمان رسیدن به این مامول ها زمانی نسبتاً بیشتر از چوکات های پیشگویی شده قبلی را ایجاد میکند.

لازم است، حداقل شش ماه به حیث زمان تلف شده در کار شکنی ها محاسبه و بد چانس زمانی کابینه جدید افروز شود. هکذا به طریقی معقول و معتبرانه باید خلای نبود ((شورای ملی)) در چوکات دولت پر گردیده از جمله امر رأی اعتماد بر حکومت، ضرورت های قانون گذاری و غیره محقق و معرفه گردد.

در این زمینه، میتوان علی العجاله از حدود یک صد تن از ((وکلای انتخابی)) نه انتسابی لویه جرگه اضطراری که عمدتاً دارای مشخصات ذیل باشند، بهره گرفت:
- با سواد کافی و خوشنام و دارای معلومات نسبی قانونی، حقوقی، اداری و سیاسی باشند.

- در مقامات امر و قومانده، مستقیماً در جرایم ضد مردم دوره خلقی ها و پرچمی ها و جنگهای تنظیمی و طالبی (۱۹۷۸-۲۰۰۱) مشارکت نداشته باشند.

- به اتهام قتل های سیاسی، جنایات جنگی و چور و چیاول دارایی های مردم و بیت المال مشهور نباشند.

- در صورت شخصیت قومی و قبیلوی داشتن، حتی الامکان، دارای اوصاف حمیده و دارای دید فراخ ملی و جهانی باشند.

- ارتباطات مشکوک با دول، احزاب، تنظیم ها و نهاد های سیاسی، نظامی و استخاراتی ماورای سرحد نداشته باشند.

- دارای افکار و اندیشه های تیپ فاشیستی و عکس ان - سکتاریستی - نبوده به هویت وحدت ملی افغانها کاملاً مؤمن و وفادار باشند.

البته مطابق سنت قبلی قانونی در کشور و نیز بعضی از کشور های دیگر دنیا، رئیس دولت صلاحیت انتساب یک عدد (حدود ۲۰ فیصد) و کلارا که مرکب از شخصیت های مطلقآبا تخصص حقوقی و علمی، اهل خبره در امور پلان کذاری و بودجه، قضایی و نظامی، محاسبات و احصاییه، مسایل امنیت داخلی و خارجی، صیانت ارزش های تاریخی و میراث های فرهنگی باشند دارا خواهد بود.

داخل و اطراف کشور ما وقوف عمیقی کسب نموده و در برابر این واقعیت ها و پروسه های الزامی ناشی از آنها واکنش مسوولانه و معتبرانه دارند.

- ۴

اداره مؤقت و دولت انتقالی اسلامی جناب آقای کرزی، علی الوصف همکاری ها و عنایات بین المللی، علی الرغم همه استعداد ها، امکانات، روابط ایاری ها، آرزو ها و امید های مردم مقیم و اواره، بیچاره و گرسنه ولی پر غرور و با همت افغانستان، در واقعیت امر به متابه گروگانی در چنگال مافیا های نه چندان مرمز قدرت نا مشروع باقی مانده، جز شعار دادن و داد و واویلای عوامگویانه به راه انداختن در استقامت پایان بخشیدن به طاعون تفنگ سالاری و تحقق اصلاحات اداری، قضایی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی - عمدتاً حاکم ساختن ضوابط ملی بر روابط خایانه، ضد ملی و ضد انسانی در دولت نه اینکه حداقل کار آیی و تدبیر نه داشته بلکه با کار شکنی ها و عدم صداقت در راستای تحقق وظایف تعهد شده به متابه مانعی در برابر تلاش های ملی و بین المللی در این استقامت هانیز عرض اندام کرده است.

با در نظر داشت این واقعیت های عیان تراز آفتاب و سر سخت تراز سنگ خارا، این دم و دستگاه هیچگونه حق و صلاحیتی برای به اصطلاح طرح و تدوین و تکمیل و انفاذ و تطبیق قانون اساسی آینده افغانستان داشته نمی تواند.

لویه جرگه قانون اساسی و به دنبال آن انتخابات برای زمامت، تحت شرایط جاری ممکن نیست که در انحصار تفتکداران و دار و دسته های مسؤول فجایع و تباہی ها در افغانستان نباشد. در زمان لویه جرگه اضطراری هنوز حیایی و ملاحظاتی و برای فراعنه وطنسوز و ملت کش گنگسیت و شک و تردید هایی موجود بود که دیگر نیست.

ما حتی در مورد اتفاقات کنار سفارت ایالات متحده امریکا و حمله انتخابی تروریستی بر سروپیس حامل سربازان جرمی عضو قوای ایساخ از همین رهگذر مشکوکیم. علاوه اقرابین روز افزاون از اشتراک اجیران جنگی ارجاعیون افراطی ذی سهم در دولت حامد کرزی در بغاوت ها عليه این دولت به ظهر میرسد.

به هر حال با در نظر داشت واقعیت های هلاکت بار موجود و تجربه شده طی بیش از یک سال گذشته و با در نظر داشت تبدیل شدن دولت آقای کرزی به دستگاه انگزیسیون قرون وسطایی مخصوصاً پس از به نمایش در آمدن سناریو پیرامون بعضی جراید، با در نظر داشت بیچاره گی های عدیده خود و ملت خود که به ناگزیر محتاج قیومیت، اعتنا و حمایت مؤثر و سازنده بین المللی هستیم، از سازمان با اعتبار ملل متحد، ابر قدرت مسئول و در گیر در قضایا و سرنوشت کشور ما - ایالات متحده امریکا - تمامی اعضای ائتلاف بین المللی ضد تروریزم، اتحادیه اروپا و کافه بشریت مسئول، دور اندیش و مدیر، تمنا میکنیم که:

الف - نه تنها در صیانت حد اعلی اعطا به دموکراسی و حقوق بشر در افغانستان با قوت اعمال نفوذ و همکاری نموده بساط انگزیسیون و تفییش عقاید را در کشور ما بر چینند بلکه به تکامل نهاد ها و جریانات دموکراتیک قویاً کمک کنند تا التراتیف دم و دستگاه ناکام کنونی هر چه زودتر تشکل نموده مردم افغانستان و جهان را از این مخصوصه وخیم متداوم نجات بخشد.

ما ایمان خل نا پذیر داریم که مردم افغانستان به محض رهایی از گروگانی تفتکداران معتقد به جنایات، نه فقط سریعاً اساسات و موسسات دموکراتیک زندگانی ملی خود را کمال و قوام میبخشند بلکه بار گرانی را که امروز فرستادگان جامعه بین المللی حتی با اذل جان های شیرین خود، برای تامین صلح و ثبات در میهن ما بر دوش میکشند، خود به شانه خواهند گرفت.

ب - سناریوییکه به نام طرح و تدوین قانون اساسی، نظر خواهی عامه و غیره، آنهم با باد کردن بی دریغ دالر های مالیات دهندگان کشور های دوست، ادامه دارد، در آخرین تحلیل یک فاجعه مضحک و یک کمیدی ترازیک است. تازمانیکه اوضاع امنیتی، نظامی، سیاسی، اجتماعی در مرکز و محلات به حد مطلوب دگرگون و بازسازی نشود، نه اینکه سودی از آن متصور نیست بلکه ممکن است عوایق دردناک نیز به بار آورد. بنابر این برای همه کنونی، همان قانون اساسی موجود نافذ در کشور کافی بوده و باید بر اساس آن ساختار دولت ملی، اردو و پولیس ملی تکمیل، حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم در عمل تامین و امنیت قابل اطمینان سراسری در کشور تحکیم و تضمین گردد.

بنابر این عملیه پا در هوای ساخت و بافت قانون اساسی عجالتاً قطع و صرف با مساعد شدن و مطمئن شدن کامل اوضاع، آن هم در فضای شفاف و عاری از نگرانی برای کلیه احادیث ملی با یک پروسیز صد در صد مدنی، دموکراتیک حقوقی و قضایی و ملکی سازی مهمنترین هدف ملی اقدام گردد.

مهمنتر آن است که فشار اساسی بر تحقیق پروژه DDR ، خلع سلاح و ملکی سازی افراد مسلح و احتجال اردو های شخصی و تنظیمی، اصلاحات اداری، اصلاحات ملی و قضایی متمرکز گردیده جو مناسب برای دیالوگ ملی پیرامون قانون اساسی جدید و تدویر لویه جرگه بی با



محله شنید

ویژه ششمیت ها، گروه ها و سازمان های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی

نامه سرگشاده

روشنفکران، ملیون و دموکراتی افغانستان به جامعه جهانی

طوریکه آقای کرزی در سفر اخیر خویش به لندن وضاحت دادند، اگر فردا قوای آیساف و ائتلاف جهانی از افغانستان خارج شوند، این سر زمین، صاف و ساده به دوزخ مبدل میشود (که میتواند متدرجاً یا آنما منطقه و حتی کره زمین را به دوزخ مبدل کند).

بدین جهت نیروهای آیساف، قوت های کشور های کمک کننده به میهن ما حسن تفاهم، سپاس متحد، مؤسسات و نماینده گی های کشور های کمک کننده به خصوص در اندوه و تحسین ملت و مردم با شهامت و پر غرور ما را با خود دارند. مردم ما به خصوص در اندوه آن فرزندان اسپانیایی قوای آیساف که با انجام خدمت بشمری شان در افغانستان هنگام مراجعت به وطن خود، دچار سانحه هواهی گردیده و تلف شدند و هکذا در اندوه قربانیان و مصدومین حمله تروریستی بر سریازان جرمی عضو آیساف شدیداً متالم بوده مخصوصاً از اهتمام، تشید و توجه و از دیاد مساعدت مادی و معنوی ایالات متحده امریکا بیش از پیش ابراز سپاس میدارند.

ولی آنچه مایه نگرانی ما و مردم ما است واقعیت های دیگری میباشد از جمله مبدل شدن کشور به انگریزیون و زندان تدقیش عقاید قرون وسطایی با ازدیاد تسلط افراطیون سادیست اسلامی نماینده در بیوند های تاریخی، فکری، مسلکی، سازمانی و..... شان با ملا عمر، حکمتیار، بن لادن و افراطیون چاقتر و فربه تر انسوی دیورنلاین به مشکل میتوان ناباور بود!

راستی، آیا به قدرت رسانیدن استادان طالبان در آنسوی دیورنلاین (از جمله با دسایسی چون حیثیت استثنایی و موقعت لیسانس بخشیدن به فارغان مدارس مذهبی معلوم الحال)، امری تصادفی است؟!

ایا، شورای ده نفری رهبری درست کردن ملا عمر مجھول و موهوم برای طالبان، تجدید سازمان و تجدید تحرك آنان، آن همه رویداد های خونین و سوقيات چریکی و جبهه بی در امتداد خط دیورنند به شمول ترور ها و انفجارات در مساجد و علیه پیشوایان دینی و مؤمنان در حال عبادت، هیچگونه پشت گرمی در وجود افراطیون عظام و کرام و انگریزیون درون کشوری ندارد؟

ایا استراتیژیست ها و نوابغ نظامی و سیاسی ائتلاف ضد تروریزم، لازم نمیدانند که تاریخ پیدایش، علل و عوامل زاد و ولد ترور و تروریزم از مراحل نطفه وی آن مورد بررسی و باز بینی قرار گیرد؟ فقط و فقط شاخچه بری میکنند یا ریشه یابی و ریشه کنی هم کاری هست؟.....

به عنوان سخن آخر، از عمق روح و ضمیر خویش، با اعتقاد و اعتماد تمام خاطر نشان میسازیم که طی تقریباً دودجه گذشته ملت و مردم افغانستان، کاملاً دست کم گرفته شده با گروههای مجھول الهویه و غیر ملی به اصطلاح ((مجاهد و طالب)) یکی دانسته شده و با ادرس های غلط، در بسا موارد دست اند کاران سیاست جامعه جهانی در افغانستان به بیراهه رفته اند و خوشبختانه تا جاییکه از نشرات مطبوعات معتبر بین المللی و مباحث در مجالس کنگره ایالات متحده امریکا و هکذا از مباحث در شورای امنیت ملل متحده، پارلمان اروپا و دیگر نشست ها و کنفرانس های بین المللی، تحقیقات کمیسیون نظارت بر حقوق بشر، مرکز بین المللی ((بحران)) وغیره بر میاید، اکنون آگاهی و برداشت های امیدوار کننده و سازنده بی در این استقامت شکل گرفته است. منجمله سخنان اشخاص انتخابی خود را به سی - ای - ای معرفی نموده است..... به ابتکارات تازه ضرورت است..... شخص رئیس جمهور بوسیله باید مواطی باشد که پول برای اعمار افغانستان چه سان مصرف میاید.)

گفت:

((امریکا در وقت مجاهدین هم مشکلی را که امروز با افغان ها دارد، داشت و آن تبیت این امر است که با کی همراه و با کی همکار باشیم..... سی - ای - ای همیشه بر استخبارات پاکستان اتکا کرده و استخبارات پاکستان اشخاص انتخابی خود را به سی - ای - ای معرفی نموده است..... به ابتکارات تازه ضرورت است..... شخص رئیس جمهور بوسیله باید مواطی باشد که پول برای اعمار افغانستان چه سان مصرف میاید.))

با عقیده بر اینکه افغانستان، دیگر جزیره مجزا و بی ربط و بی نفع و بی ضرر در جامعه جهانی نیست و بسیاری از منافع صلح و امنیت بین المللی، سلامت مادی و معنوی دموکراسی های پیشرفت و پا بر جای جهان با منافع و مصالح امروز و فرداي مردم افغانستان هماهنگ و منطبق شده است و منجمله با در نظر داشت اینگونه حقایق که به قول تام لن توں، ((..... افغانستان و عراق، دیگر جزء مسایل ملی امریکاست)) این نامه را به پایان میبریم. ملت افغانستان نموده، فقط گروگان است و با روح و تن، زنجیر پیچ !!

با احترامات فایده

یادداشت اداره:

در پایان این نامه امضای (۲۱) تن اعضای ذکور و انان کمیته طرح و تدوین وجود دارد. گفته میشود تعداد امضا کنندگان محدود نیست. به این دلیل که عجالتاً روشنفکران افغان در مجموع و امضا کنندگان نامه بطور اخص در برابر افراد... نیرو های جهل و تحریر و مافیا و ترور کاملاً بر هنر و بیدفاع اند، خواهش بعمل آمده است، امضاها چاپ نشود و در عرض به مراجع مسؤول و مطمین ملی و بین المللی در صورت لزوم ارائه گردد.

د - دستگاه قضایی کشور بالاصله و بدون قید و شرط مخصوصاً در کادر شورای عالی قضا، قاضی القضا و معاونینش، رئیس و اعضای دیوان تمیز از افراد تنظیمی، نیمچه ملا های مریض و دارای هسترنی های روانی و سیاسی تصفیه گردد، حاکم شرع، باید عالم دنیا امروز باشد.

ه - یک سیستم محاکماتی پر توان، مستقل و از لحاظ کادری و تشکیلاتی قویاً ذی صلاحیت و دموکراتیک با ترکیبی از بازرگان و قضایات دارای مجموعه مختصات ملی، دانش ها و تجارب فقهی، حقوقی ملی و بین المللی و ادراک تاریخی - جهانی با همکاری و همیاری تعداد معین و لازمی بازرگان و قضایات بین المللی تحت اشراف و نظارت سیاسی و حقوقی و دیده بانی قانونمند سازمان های بزرگ و بلا منازع حقوق بشر عاجلاً تأسیس و ذات مرده و زنده مصدر امر و قومانده فجایع ۲۳ سال اخیر در کشور (اپریل ۱۹۷۸ - سپتامبر ۲۰۰۱) را با درنظرداشت استاد و شواهد مقدماتی رسماً و علناً ((متهم)) اعلام و چه بالاصله و چه بالوکاله برای پاسخگویی به اتهامات مربوط احضار و مطابق طرز العمل های تلفیق شده محاکماتی ملی و بین المللی به اسرع وقت ممکن محاکمه آزاد و علناً آنان را به انجام رسانند. باید کسانیکه توسط این محکمه به خیانت و جنایت علیه مردم، وطن، حقوق بشر، منافع صلح و امنیت بین المللی متهم میشوند، از کاندیداً توری در مقامات حاکمه آینده کشور و پاشان کردن ثروت های باد آورده در راه غصب مناصب عالیه دولتی ایجاد منع و محروم گردد.

این سیستم محاکماتی، با همان قوت و صلاحیت مشروع و خل خاپزیر، با تسجيل و تصريح اصل ها و نورماتیف های حقوقی و قضایی کاملاً شفاف، افراد مجبور و معذور ((سیاهی لشکر)) در گروههای جنگی، تهییج شده گان، تحریک شده گان و بسیج شده گان در صفوف احزاب سیاسی سه دهه اخیر، صفوف تنظیم های متعدد نامنهاد ((اسلامی)), صفوف تحریک طالبان و صفوف حزب منسوب به گلبدهین حکمتیار را که اساساً تمامی آنان ثروت تعویض نا پذیر ملی ما میباشند، بری الذمه و مشمول عفو عمومی و تلف شده گان، معلولان و مفقودانشان را در قتلگاه های جنگ های تحملی و استبداد و اختناق های پی در پی متصاد و مقابل، ضایعه های ملی اعلام بدارد.

تمامی تعیینات و تضییقات، تعلین ها و تخطیه ها و تذلیل های متکی بر همچو سابقه ها و بیشینه ها را جدا و اکیداً منع و در حد جاییم علیه مردم و کشور مستوجب تعقیب عدلي و مجازات قضاایی قرار داده مجموعه زندگان را از طریق سهمگیری کامل و مساوی در بازسازی و نوسازی کشور، خدمت برای صلح سراسری، امنیت و استقلال ملی و در رقابت سلیم، صادقانه و عاقلانه با هم در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اتنی راغب و مطمین گرداشت.

هکذا، ضرورت و حکمت ویژه بی دارد تا از طریق همین سیستم محاکماتی، روزی بنام روز ((توبه و استغفار)) مشخص و بر گزاری سالیانه آن با مراسم و مناسک متنوع متضمن تزکیه نفس و ضمیر و وجود از خطاها و گناهان ارتکاب شده، در سطح ملی معمول و مرسوم گردد.

وقوع هزاران در هزار خون نا حق، برادر کشی های فجیع و کم نظر در تاریخ بشریت و عالم اسلام آنهم به طور غالب تحت نام ((اسلام)) و نعره ملکوتی ((تکبیر)) مخصوصاً پس از ادای سوگند ها در مکه معظمه توسط زعمای معلوم الحال، تبری جویی و استغفار متداوم و مؤکد برای افغانها مؤمن و مسلمان را واقعاً در حد یک فریضه همه کانی مطرح گرده است.

و - یکی از عمدۀ ترین عواملیکه افغانستان را به گره کور و زخم ناسور در قلب آسیا مبدل کرده همانا خط متنازع فيه دیورنند با تمام مفاهیم و تعابیر جیوپولیتیک و سوق الجیشی آن میان کشور ما و پاکستان است که هم اکنون حتی از اعتبار استعماری قرارداد مردم بروط نیز یک دهه میگذرد. خیزشگاه هزاران فلاکت و مصیبت در سرزمین ما خود این خط و تسلکات و سوقيات از حواشی آن است.

از جامعه بین المللی با تأکید و سوسایس تمام تمنا داریم که با اشراف، اهتمام و اعتنای دقیق و عمیق بر این مسئله و صدمات بالقوه وبال فعل از رهگذر آن بر امنیت و سلامت، ثبات سیاسی و بازسازی اقتصادی و فرهنگی کشور ما توجهات متداوم و بخصوص مبنی داشته و سر انجام در جهت حل و فصل نهایی قضایای ناشی از آن کشور و مردم ما را عادلانه یاری رسانند.

عالی جنابان محترم!

برای ما و ملت ما سر کشیدن این جام زهر نهایت گران و دشوار است ولی متأسفانه حقیقت و واقعیتی ماوراء تالخ و مافق تحمل این است که سر زمین سوخته و تباہ شده ما امروز و بد بختانه برای مدتی نه چندان کوتاه - آنهم اگر بگذراند - طبق تعریفاتی که در منشور سازمان ملل متعدد درج است، در شمار ((مناطق تولیتی و انتدابی)) به حساب می آید و شدیداً به قیمومیت و حمایت نیرومند و مستدام جهانی به درجه اول سازمان ملل متعدد و ایالات متحده امریکا محتاج است.

